مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۰، صفحات ۲۱۶- ۲۰۳

گزارش

موارد استفاده از نرخ برابری قدرت خرید و تفاوت آن با نرخ ارز بازار

دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی

منیرالسادات میراحسنی[۱]

مقدمه

برابری قدرت خرید که در متون اقتصادی به PPP[۲] معروف است نوعی شاخص اقتصادی است که در سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول جهت رتبه‌بندی و مقایسه درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی کشورها بکار می‌رود. شاخص برابری قدرت خرید با یکسان نمودن قدرت خرید ارزهای متفاوت و حذف اختلافات سطوح قیمتی در کشورهای مختلف شاخص‌های قابل‌مقایسه‌ای را برای کشورها ارائه می‌دهد.

در واقع، نظریه برابری قدرت خرید بیان‌کننده رابطه بلندمدت بین نسبت قیمت‌ها و نرخ ارز در یک اقتصاد باز را نشان می‌دهد و از آن نمی‌توان برای تعیین نرخ ارز در کشورها استفاده نمود. با این حال، هرچه اختلاف بین شاخص برابری قدرت خرید و نرخ ارز بازار بیشتر باشد به معنای تورم قابل‌ملاحظه در کشور است. این درحالی است که این اختلاف در کشورهای درحال توسعه و درحال‌گذار بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد.

به عنوان مثال، طبق آمار ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF)[۳]، شاخص برابری قدرت خرید در ایران برای سال ۲۰۱۰، ۴۴۳۹ ریال محاسبه شده است (که تفاوت بسیاری با نرخ ارز بازار دارد). همچنین، تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس برابری قدرت خرید در این سال ۸۱۹ میلیارد دلار بوده که ۱/۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را شامل می‌شود. این درحالی است که تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت جاری در سال ۲۰۱۰، ۳۵۷ میلیارد دلار برآورد شده است. همچنین،

---

۱. رئیس گروه مطالعات بازارها و اتحادیه‌های بین‌المللی. m_mirahsani@yahoo.com

2. Purchasing Power Parity
3. World Economic Outlook Database

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

تولید ناخالص داخلی سرانه ایران نیز بر اساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۰، ۱۰۸۳۲ دلار بوده است؛ در حالی که مقدار شاخص مذکور به قیمت‌های جاری در این سال ۴۷۴۰ دلار بوده است.

تعریف نرخ برابری قدرت خرید

طبق تعریفی که در سایت سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)[1] در خصوص برابری قدرت خرید ارائه شده است، تبدیل نرخ ارز کشورها به یک پول مشترک و یکسان نمودن قدرت‌خرید ارزهای متفاوت را برابری قدرت خرید می‌گویند. به عبارت دیگر، برابری قدرت خرید عبارت است از حذف اختلافات سطوح قیمتی در روند تبدیل شاخص‌های دوکشور.[2]

تئوری برابری قدرت خرید نظریه‌ای است که نرخ‌های مبادله بین دو ارز را زمانی در تعادل می‌داند که قدرت خرید آنها در هر دو کشور یکسان باشد. این بدان معنا است که نرخ مبادله بین دوکشور می‌بایست به نسبت سطح قیمت سبد ثابتی از کالاها و خدمات برابر باشند (سطح قیمت سبد ثابتی از کالاها و خدمات اصطلاحاً شاخص قیمت مصرف‌کننده اطلاق می‌گردد). براین اساس، زمانی که سطح عمومی قیمت درونی کشوری افزایش می‌یابد، نرخ مبادله پول آن کشور باید به منظور مقابله با تورم و برابری قدرت خرید کالاها و خدمات کاهش یابد (کاظمی، ۱۳۸۹).

رابطه برابری قدرت خرید و تئوری تعیین نرخ ارز به فرضیات رفتار واردکنندگان و صادرکنندگان در پاسخ به تغییرات در سبد بازار ملی مربوط می‌شود. در واقع، زمانی که یک کالا در کشوری یک قیمت و در کشور دیگر بهای دیگری دارد، بازرگانان با انگیزه سوداگری به خرید این کالا با قیمت کمتر و فروش آن با قیمت بالاتر مبادرت می‌کنند. این قانون تفاوت قیمت می‌تواند به برابری قدرت خرید منتج شود ضمن اینکه سبد کالاها در بازار کشورها را نیز تبیین می‌کند.

سازمان‌های متولی محاسبه نرخ برابری قدرت خرید

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اداره آمار جامعه اروپا[3] مسئولیت محاسبه نرخ برابری قدرت‌خرید را برای کشورهای عضو برعهده دارند. اتحادیه اروپا نرخ برابری قدرت خرید را برای کشورهای اروپایی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه این شاخص را برای کشورهای غیراروپایی عضو این سازمان و نیز کشورهایی چون روسیه، چین، اوکراین و... محاسبه می‌کنند. با نرخ برابری به دست آمده تولید ناخالص داخلی کشورهای موردنظر قابلیت مقایسه با یکدیگر را خواهند داشت.

1. The Organization for Economic Cooperation & Development
2. www.oecd.org/std/ppp
3. The Statistical Office of the European Communities

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

البته بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز به صورت جداگانه با اهدافی همچون مقایسه سرانه تولید ناخالص داخلی و سطح فقر در بین کشورها، این نرخ برابری را محاسبه می‌کنند. صندوق بین‌المللی پول از نرخ برابری قدرت خرید در گزارشات چشم انداز اقتصادی جهان استفاده می‌کند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اتحادیه اروپا طبق برنامه و هدف واحدی مسئولیت این امر را برعهده دارند.

از آنجایی که در محاسبات سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قیمت اقلام مورد استفاده در نرخ برابری قدرت خرید در کشورها نه تنها مربوط به اقلامی می‌شود که در الگوی مصرفی بازار ملی آن کشورهاست، بلکه اقلامی هستند که در بازارهای ملی کشورهای دیگر نیز استفاده می‌شوند، لذا می‌بایست در محاسبه شاخص برابری نمونه‌های کالاها و خدمات به صورت محلی در اقلام اصلی قرار گیرند. بنابراین، هنگام جمع‌آوری قیمت‌ها در خصوص هرکشور باید مشخص شود که کالاها و خدمات قیمت‌گیری شده به عنوان کالاها و خدمات موجود در الگوی مصرفی آن کشورها باشند.

کاربرد نرخ برابری قدرت خرید در تعیین نرخ ارز

مورد استفاده اصلی از نرخ برابری قدرت خرید در یکسان نمودن قدرت خرید ارزهای متفاوت و حذف اختلافات سطوح قیمتی در جهت تبدیل شاخص‌های دو کشور همچون تولید ناخالص داخلی و سرانه آن در مقایسه کشورها و رتبه‌بندی آنها می‌باشد.

برابری قدرت خرید به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در تعیین نرخ ارز به شمار می‌رود. این مکانیزم در شرایطی به کارایی قابل‌قبولی در تعیین نرخ ارز می‌رسد که قیمت‌های کالا در دو کشور واقعی بوده، کیفیت محصولات نیز یکسان باشد و واردات و صادرات فارغ از مشکلات صورت گیرد (طاهری، ۱۳۸۸). بدین ترتیب، برابری قدرت خرید یک مفهوم تعادلی برای نرخ ارز اسمی به دست می‌دهد که آن را نرخ ارز مبتنی بر برابری قدرت خرید می‌نامند.

این تئوری نقش بسیار خوبی در درک رابطه قیمت و نرخ ارز ایفا می‌نماید و بدون شک، فهم این موضوع مسأله‌ای ضروری برای سیاستگذاران نرخ ارز خواهد بود؛ اما برابری قدرت خرید به تنهایی قدرت تعیین نرخ ارز را نخواهد داشت و مقایسه شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشورها (تورم) ضروری است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

در واقع، نرخ ارز صرفاً تابعی از مقایسه قیمت‌ها در دو کشور مربوطه نیست. مطالعات اقتصادی فراوانی در کتب و مجلات علمی در این مورد منتشر گردیده است و هنوز اقتصاددانان در تلاش برای توسعه این مطالعات می‌باشند.

برای ارزش‌گذاری نرخ ارز از روش‌های اصلی همچون برابری قدرت خرید، تراز پرداخت‌ها، پول و دارایی‌های ارزی، برابری نرخ بهره و عواملی از این دست که تأثیرات بلندمدت و تعیین‌کننده‌ای در تعیین نرخ ارز برعهده دارند، استفاده می‌شود. فارغ از این روش‌ها برخی شیوه‌های ارزش‌گذاری نرخ ارز به‌صورت حراج روزانه و صرف‌نظر از حجم مبادلات در تعیین نرخ ارز بکار گرفته می‌شوند. از جمله این شیوه‌ها، روش تعیین نرخ ارز ثابت[1] است. این شیوه تنها در بازار ارز اروپا رایج است که به‌طور روزانه و از طریق حراج مزایده بازار باز[2] تعیین می‌شود. پیشنهادهای خرید و فروش معامله‌گران به‌طور آشکار اعلام شده و نشان داده می‌شود. بالاترین پیشنهاد خرید و پایین‌ترین پیشنهاد فروش برای محاسبه میانگین روزانه تعیین نرخ ارز بکار برده می‌شود.

تفاوت نرخ ارز و نرخ برابری قدرت خرید در کشورها

طبق اطلاعات موجود، در کشورهای در حال توسعه و بازارهای درحال‌گذار شکاف بزرگی بین نرخ ارز بر اساس برابری قدرت خرید و نرخ ارز بر اساس بازار وجود دارد و گاهی این شکاف به ۲ تا ۴ برابر می‌رسد (IMF، ۲۰۰۸). وجود این شکاف به این دلیل است که برخی از کالاها و خدماتی که در تجارت کاربرد ندارند در کشورهای کم‌درآمد ارزانتر از کشورهای با درآمد بالا عرضه می‌شوند. به‌عنوان مثال، حتی زمانی که هزینه کالاهای قابل تجارت همچون ماشین‌آلات در دو کشور برابر باشند، هزینه کوتاه‌کردن مو در نیویورک به مراتب از بیشکک (پایتخت قرقیزستان) بالاتر است. از سوی دیگر، در کشورهای توسعه‌یافته نرخ ارز بر اساس برابری قدرت خرید به نرخ بازاری آن بسیار نزدیکتر است. این بدین معنا است که محاسبه تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید در کشورهای درحال توسعه و درحال‌گذار تا حد زیادی براساس تخمین اعلام می‌شود.

اگر برابری قدرت خرید یک کشور را برای یک سال معین داشته باشیم می‌توان به کمک داده‌های سری زمانی تفاوت‌های نرخ تورم، نرخ ارز اسمی مبتنی بر برابری قدرت خرید را محاسبه کرد و آن را با نرخ ارز متدول بازار مقایسه نمود تا مشخص شود ارزش پول کشور به چه میزان بیشتر یا کمتر از حد

1. Fixed Currency Rate
2. Open Market

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

خود ارزش‌گذاری شده است و به این طریق آثار این اضافه‌بها یا کم‌بهایی پول ملی بر قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی کشورها مشخص گردد.

روش‌های محاسبه نرخ برابری قدرت خرید

روش‌های مختلفی برای محاسبه نرخ برابری قدرت خرید پیشنهاد شده‌اند که از بین آنها روش‌هایی که قابلیت مقایسه بیش از دو کشور را داشته باشند، ترجیح داده می‌شوند. از معروفترین روش‌هایی که برای محاسبه برابری قدرت خرید وجود دارند می‌توان به سه روش جری خمیس[1]، CPD[2] و EKS[3] اشاره نمود. شایان ذکر است روش‌های یادشده تنها برای محاسبه نرخ برابری قدرت خرید دو ارز و در سطح بین‌المللی بکار می‌روند و نرخ برابری بدست آمده نباید با نرخ مبادله ارز بازار مقایسه شود. به‌عنوان مثال، برای محاسبه نرخ برابری قدرت خرید به روش EKS اطلاعات زیر لازم است:

- مجموعه‌ای از متوسط قیمت اقلام در سطح ملی
- هزینه‌های برآوردشده در تولید ناخالص ملی

در این‌روش متوسط قیمت‌های سالانه اقلام در سطح ملی به شاخص‌های برابری تبدیل شده و سپس با استفاده از وزن هزینه‌ها در تولید ناخالص داخلی در مقایسات چندبعدی به شاخص برابری در سرگروه‌های اصلی و کل اقلام دست می‌یابیم (طغرایی، ۱۳۸۴).

اشکالات و موارد قابل‌توجه در استفاده از نرخ برابری قدرت خرید

شاخص برابری قدرت خرید از یک قانون ویژه و در عین حال ساده منتج می‌شود. این قانون به قانون تک‌نرخی کالا[4] موسوم است که از مقایسه نرخ خرید یک کالا در دو کشور می‌توان به برابری ارزهای آنها پی برد.

در این میان، دلایلی وجود دارد که همیشه برابری قدرت خرید کارایی تمام و کاملی ندارد. از جمله اینکه قانون تک‌نرخی کالا در کوتاه‌مدت انجام‌پذیر نیست. قانون تک‌نرخی نیازمند آربیتراژ کامل کالا است.[5] این بدین معنا است که اشخاص قادر باشند که هر کالایی را وارد و صادر کنند. این کالا باید در عین یکسان بودن از لحاظ کیفی در کشورهای مختلف، قیمت‌های مختلفی داشته باشد و فرض

1. G-K
2. The Country-Product-Dummy Method
3. The Elteto-Koves-Szulc Method
4. Law of one Price

۵.آربیتراژ یعنی خرید ارز از بازاری که ارزانتر است و فروش همزمان همان ارز در بازاری که گرانتر است. در عمل با انجام دادن آربیتراژ، نرخ ارز در بازارهای بین‌المللی یکسان می‌شود، لذا عمل آربیتراژ هنگامی‌سودآور خواهد بود که تفاوت مکانی نرخ ارز در دو بازار (با دو مکان متفاوت) از هزینه نقل و انتقال آن ارز بیشتر باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

این شرایط در کوتاه‌مدت دشوار است. از سویی، بازار داخلی کشورها به دلیل تعدد وجود خرده‌فروش‌ها و واسطه‌های فروش با تفاوت قیمت مواجه است. دیگر اینکه فرض بر این است که دولت‌ها در تعرفه‌های گمرکی، سهمیه‌های تجاری، مالیات و شرایط محدودکننده‌ای از این دست دخالت نکنند.

از سوی دیگر، برابری قدرت خرید به دلیل برخی کالاهای مهم غیرقابل تجارت و تفاوت بهره‌وری در بخش‌های مختلف کشورها نمی‌تواند در بلندمدت به عنوان شاخص تعیین‌کننده در برابری ارزها باشد. این بدین معنا است که همواره در کشورها یک تفاوت دائمی در سطح قیمت‌ها وجود دارد که از طریق نرخ ارز نیز قابل جبران نیست. همان‌طور که سلیقه‌ها نیز دستخوش تغییر می‌شوند، نرخ ارز نیز تغییر می‌کند. از سویی، ساختار بازارها نیز ممکن است تغییر یابد و معادلات تعیین نرخ نیز بر هم ریزد. در این میان، موارد کمی وجود دارد که شاخص برابری قدرت خرید در کوتاه‌مدت نیز قابل اعتنا باشد. در این صورت، اقتصاد با شرایط تورمی شدید دست به گریبان است و ارز داخلی (پول ملی) توانایی ارزش‌گذاری قیمت‌ها را ندارد و بنگاه‌های اقتصادی ترجیح می‌دهند که اقتصاد خود را دلاریزه کنند.

در این زمینه مطالعات متعددی توسط اندیشمندان انجام شده است که از آن جمله می‌توان به فرانکل (۱۹۸۱)، فرانکل و موسا (۱۹۹۸)، مک دونالد (۱۹۹۸) و لوتیان (۱۹۹۶) اشاره نمود. نتایج این مطالعات در خصوص آزمون برابری قدرت خرید به این شرح می‌باشد:

- مدل برابری قدرت خرید در فاصله جغرافیایی نزدیکتر عملکرد بهتری دارد.
- انحرافات قابل‌ملاحظه و نسبتاً طولانی از برابری قدرت خرید در شواهد وجود دارد.
- نرخ ارز در مقایسه با شاخص CIP و یا شاخص GDP Deflator ناپایداری‌های بیشتری از خود نشان می‌دهد که برابری قدرت خرید را نقض می‌کند.
- این مدل در بلندمدت در مقایسه با کوتاه‌مدت کاربرد بهتری دارد.

همچنین، سیستم تعیین نرخ ارز در مدل برابری قدرت خرید به این دلایل از ضعف برخوردار است:

- مسائل آماری و سبدهای متفاوت بسته به فرهنگ مصرف
- تفاوت در هزینه‌های حمل و نقل و موانع تجاری
- رقابت ناقص
- عدم در نظرگرفتن بازار کالا و سرمایه
- تفاوت کارایی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

در واقع، تعیین نرخ برابری ارز (به صورت کاهش ارزش پول) از جمله سیاست‌های متداولی است که در کشورهایی که نظام ارزی ثابت یا مدیریت شده و حتی شناور مدیریت شده دارند برای جبران کسری تراز پرداخت‌ها انجام می‌شود.

ایران و کاربرد نظریه برابری قدرت خرید در تعیین نرخ ارز

تعیین نرخ ارز در اقتصاد ایران همواره یکی از چالش‌های عمده سیاستگذاران اقتصاد کشور بوده است؛ چرا که از یک سو نقش مؤثری در تجارت خارجی کشور (اعم از صادرات و واردات و ورود و خروج سرمایه) و به تبع آن تنظیم و تعدیل تراز تجاری و ترازپرداخت‌های کشور دارد و از سوی دیگر، تعیین صحیح نرخ ارز از نقش مؤثری در تعیین تولید داخلی، میزان اشتغال و سطح عمومی قیمت‌ها برخوردار است. به عبارت دیگر، مسئله مهم در تعیین نرخ ارز درنظرگرفتن اهداف کلان در اقتصاد کشور است؛ اهدافی همچون، نرخ تورم، نرخ بیکاری، کسری ترازپرداخت‌ها، مشکلات صادرات و واردات و... از این منظر از زاویه عقلانیت اقتصادی، تعیین نرخ واقعی ارز به‌عنوان ابزاری جهت رسیدن به اهداف مطلوب و شاخص‌های کلان اقتصادی به شمار می‌رود.

در واقع، نرخ ارز می‌بایست از طریق عرضه و تقاضا تعیین شود. عرضه و تقاضا نیز به کسری یا مازاد ترازپرداخت‌های هرکشور برای پرداخت تعهدات و نیز انتظارات مربوط به تغییرات آتی نرخ ارز بستگی دارد، اما بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران به دلایل گوناگون کنترل ویژه‌ای بر نرخ برابری پول ملی با ارزهای خارجی اعمال می‌کنند، لذا چنانچه دولت (بانک مرکزی) نرخ ارز را مدیریت کند این نرخ به صورت شناور مدیریت شده تعیین می‌شود.

محاسبه نرخ واقعی ارز براساس نظریه برابری قدرت خرید مستلزم محاسبه نرخ تورم در ایران است (از آنجایی که نرخ برابری قدرت خرید بر اساس دلار می‌باشد، نرخ تورم کشورها با نرخ تورم در آمریکا مقایسه می‌شود). بدین ترتیب که نوسان‌های نرخ دلار و ریال در یکسال پایه محاسبه شده و قدرت برابری خرید ریال به دلار را به‌دست می‌آوریم، اما مشکل اینجاست که نرخ تورم در ایران بسیار بیشتر از نرخ تورم آمریکا در دوره زمانی ۳۰ ساله بوده است. از سوی دیگر، براساس نظریه پولی می‌توان نرخ رشد حجم پول در ایران و آمریکا را مقایسه کرد و براساس نرخ حجم پول سال پایه نسبت ارزش ریال به دلار را محاسبه کرد و نرخ ارز واقعی براساس نظریه پولی را به دست آورد. راه سوم برای محاسبه نرخ واقعی ارز این است که متغیرهای کلان اقتصادی را بین دو کشور مقایسه کنیم و براساس آن نرخ ارز را تعیین کنیم. البته روش‌ها و نظریه‌های دیگری نیز برای محاسبه نرخ واقعی ارز وجود دارد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

سطح قیمت‌ها به واسطه عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. از آنجایی که عرضه و تقاضا برای کالاها از رفتار تولیدکننده و مصرف‌کننده ناشی می‌شود همین رفتار آغاز مطالعات تعیین نرخ واقعی ارز است که از جمله اصول اقتصاد خرد در تئوری نرخ ارز می‌باشد. تکنولوژی تولید، نیروی کار و میزان تولید در رقابت با یکدیگر بین کشورها با لحاظ برخی شرایط منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری و بالا رفتن نرخ ارز یک کشور می‌شود.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که برابری قدرت خرید، برابری نرخ بهره پوشش‌یافته[1] و برابری نرخ بهره پوشش‌نیافته[2] تنها بخشی از معادلات تعیین نرخ ارز را تفسیر می‌کنند و به روشنی رابطه رفتار تولیدکننده و مصرف‌کننده را مورد توجه قرار نمی‌دهند.

به تازگی برخی اقتصاددانان و نشریات اقتصادی اظهار می‌دارند که ارزش پول ملی ایران غیرواقعی بوده و ارزش ریال ایران به صورت دستکاری شده بالا نگه داشته شده است. عکس چنین مطلبی در مورد ارزش پول چین مطرح می‌شود. چین متهم می‌شود که با دستکاری در نرخ ارز، ارزش پول ملی این کشور یعنی یوان را پایین نگاه داشته و باعث توسعه صادرات خود شده است. برخی معتقدند در ایران با بالا نگه داشتن تصنعی ارزش پول ملی، صادرات و به صورت کلی تولید تهدید شده است. چرا که وقتی نرخ دلار نسبت به قیمت ریال ارزانتر تعیین شود و در واقع ارزش ریال بالاتر از آنچه هست نگاه داشته می‌شود کالای خارجی ارزان‌تر از نرخ واقعی آن است و برای تولیدکنندگان داخلی، صادرات و تولید صرفه کمتری خواهد داشت. کسانی که معمولاً با نگاهی انتقادی مراتب فوق را مطرح می‌نمایند یک استدلال محوری دارند. این استدلال مربوط به مقایسه روند رشد قیمت‌ها است یا به عبارت دیگر مقایسه تورم داخل کشور با تورم سایر کشورها یا میانگین تورمی که در دنیا ثبت می‌گردد.

نرخ برابری قدرت خرید صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین المللی پول از سال ۱۹۹۳ میلادی در گزارشات چشم انداز اقتصادی (WEO)[3] از شاخص تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید استفاده کرده است. در سال‌های اخیر نیز شاخص مورد نظر به عنوان عنصری در فرمول محاسباتی توزیع سهمیه اعضای صندوق بین‌المللی پول بکار می‌رود. بدین‌ترتیب که کارشناسان صندوق بین‌المللی پول ابتدا نرخ برابری قدرت خرید را برای

1. Covered Interest Rate Parity (CIRP)
برابری نرخ بهره پوشش‌یافته رابطه قیمت آتی بازار و نرخ ارز در بازار آتی با نرخ بهره اوراق قرضه در اقتصاد دو کشور را بیان می‌کند.

2. Uncovered Interest Rate Parity (UCIRP)
برابری نرخ بهره پوشش نیافته، رابطه قیمت‌های آتی و نرخ ارز مورد انتظار با نرخ بهره اسمی اوراق قرضه کشور را بیان می‌کند.

3. IMF World Economic Outlook

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

کشورهای مختلف محاسبه نموده و سپس با مقایسه تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید و همچنین، تولید ناخالص داخلی سرانه براساس برابری قدرت خرید در هرکشور به رتبه‌بندی کشورها مبادرت می‌نمایند.

براساس آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول از چشم‌انداز اقتصاد جهانی (فروردین ۱۳۹۰)، تولید ناخالص داخلی ایران براساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۰ در حدود ۸۱۹ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم از تقسیم تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت جاری براساس پول جاری کشور (۳۶۳۳۶۶۶ میلیارد ریال) بر نرخ تبدیل برابری قدرت خرید در سال مذکور (که برای ایران در سال ۱۳۹۰ حدود ۴۴۳۹ ریال برآورد شده) بدست آمده است(جدول۱).

جدول۱. مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران به قیمت ثابت و جاری بر حسب دلار و ریال و بر اساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۰

شاخص اقتصادی	مقدار
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (پول جاری کشور، میلیارد ریال)	۳۶۳۳۶۶۶
تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (پول جاری کشور، میلیارد ریال)	۴۹۳۳۷۹
تولید ناخالص داخلی، به قیمت جاری (میلیارد دلار)	۳۵۷
تولید ناخالص داخلی سرانه (قیمت جاری، دلار)	۴۷۴۱
تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید (میلیارد دلار)، GDP ppp	۸۱۹
تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید (دلار) GDP per capita ppp	۱۰۸۶۵
سهم تولید ناخالص داخلی سرانه ایران بر اساس برابری قدرت خرید در جهان (درصد)	۱/۱۲
نرخ تبدیل برابری قدرت خرید (پول ملی به دلار جاری بین المللی)	۴۴۳۹
رتبه ایران از نظر تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید*	۱۸
رتبه ایران از نظر درآمد ناخالص ملی سرانه بر اساس قدرت برابری خرید*	۹۴

*آمار مربوط به رتبه ایران در این بخش مربوط به سال ۲۰۰۹ می‌باشد.

Source: World Economic Outlook Database(2011), International Monetary Fund, April.
World Development Indicators Database (2011), World Bank, April.

نرخ برابری قدرت خرید ایران در سال ۱۳۸۹ از سوی صندوق بین‌المللی پول رقم ۳۹۸۸/۹۶ برآورد شده و بر اساس محاسبات این صندوق نرخ تبدیل برابری قدرت خرید ایران در سال ۲۰۱۰ افزایش داشته و به رقم ۴۴۳۹ ریال رسیده است (جدول۲).

بدین ترتیب، ایران از لحاظ تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید رتبه ۱۸ را در سال ۲۰۰۹ بین کشورهای جهان کسب نمود (پیوست ۱). همچنین، طبق آمار ارائه شده توسط بانک جهانی، تولید

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

ناخالص داخلی سرانه ایران بر اساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۰، ۱۰۸۶۵ دلار بوده که در بین کشورهای جهان رتبه ۹۵ را کسب نموده است.[۱]

جدول۲. نرخ برابری قدرت خرید ایران طی سال‌های(۲۰۱۵ - ۲۰۰۰)

سال	نرخ برابری قدرت خرید ایران (ریال)
۲۰۰۰	۱/۳۴۱/۰۷
۲۰۰۱	۱/۴۶۳/۹۲
۲۰۰۲	۱/۸۴۹/۰۵
۲۰۰۳	۲/۰۲۲/۶۰
۲۰۰۴	۲/۳۷۶/۷۳
۲۰۰۵	۲/۶۷۴/۷۶
۲۰۰۶	۲/۹۴۷/۱۶
۲۰۰۷	۳,۴۴۸/۷۱
۲۰۰۸	۳/۹۸۲/۰۷
۲۰۰۹	۳/۹۶۹/۲۰
۲۰۱۰	۴/۴۳۸/۵۹
۲۰۱۱	۵/۴۲۴/۴۶
۲۰۱۲	۵/۸۴۳/۵۴
۲۰۱۳	۶/۲۵۶/۵۵
۲۰۱۴	۶/۶۱۴/۴۷
۲۰۱۵	۶/۹۳۱/۸۷

Source: IMF, World Economic Outlook (WEO), April 2011.

چنانکه در جدول (۲) نیز ملاحظه می‌شود، طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول- چشم انداز اقتصادی جهان آوریل ۲۰۱۱ (فروردین ۱۳۹۰) –نرخ برابری قدرت خرید ایران طی سال‌های (۲۰۱۵-۲۰۰۰) به طور صعودی در حال افزایش است.

جمع‌بندی

تئوری برابری قدرت خرید بیان می‌کند که سطوح قیمت یک سبد کالا در تمام کشورها (حداقل دو کشور) زمانی که بر حسب یک ارز اندازه‌گیری می‌شود باید برابر باشند.

۱. این درحالی است که بر اساس آمار ارائه شده در The World Factbook سرانه تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس برابری قدرت خرید با رقم ۱۰۹۰۰ دلار در سال ۲۰۰۹ در میان ۲۲۹ کشور جهان رتبه ۱۰۰ را به خود اختصاص داده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

براساس این تئوری، نرخ‌های مبادله در طولانی‌مدت به سمت یک نرخ همگرا می‌شوند که باعث برابری قدرت خرید بین کشورها می‌گردد. آنچه باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد تفاوت بین نرخ برابری قدرت خرید و نرخ مبادله ارز در بازارهای داخلی است. این تفاوت نشان‌دهنده اشکالات نظام ارزی نبوده و نمی‌توان ارزش اسمی ریال در برابر دلار و یا ارزهای دیگر را تنها با توجه به نرخ برابری قدرت خرید و بدون درنظرگرفتن فرضیات دیگری به دست آورد. تفاوت بین دو نرخ می‌تواند متأثر از مشکلات موجود در نظام قیمت‌های داخلی و یا سیاست‌های اقتصادی واردات و صادرات باشد.

در واقع، تمرکز صرف بر چالش مهم تعدیل نرخ ارز بدون توجه کافی به اهداف کلان اقتصاد کشور با اشکال مواجه است؛عدم توجه به اهدافی چون نرخ تورم، نرخ بیکاری، کسری ترازپرداخت‌ها، مشکلات صادرات و واردات، تعرفه‌های تجاری، تشویق تولیدکنندگان برای توسعه تکنولوژی و افزایش توان رقابت، توجه به بهره‌وری و کیفیت بیشتر و سایر مؤلفه‌های اقتصادی و بسیاری از نکات مهم و حیاتی دیگر باعث ایجاد انحراف در نتایج تحلیل اقتصادی خواهد شد.

بدین‌ترتیب به نظر می‌رسد که با توجه به اشکالات موجود در محاسبه نرخ برابری قدرت خرید و وجود شکاف قابل‌توجه بین نرخ ارز بر اساس برابری قدرت خرید و نرخ ارز بر اساس بازار در کشورهای درحال‌توسعه و بازارهای درحال‌گذار بهترین و قابل‌توجیه‌ترین محل استفاده از نرخ برابری قدرت خرید تنها برای انجام مقایسات بین‌المللی شاخص‌های اقتصادی (تولید ناخالص داخلی و سرانه آن) در گزارشات مجامع بین‌المللی جهت رتبه‌بندی و مقایسه کشورها بوده و نمی‌توان از آن برای تعیین نرخ ارز در بازارهای داخلی استفاده کرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

منابع

پژویان، جمشید (۱۳۸۹)، "مصاحبه با خبرنگار اقتصادی افکار نیوز در ۱۵ آذر".

طاهری، مسعودرضا (۱۳۸۸)، "عوامل عمده در تعیین نرخ ارز"، سی و یکم اردیبهشت.

طغرایی، زهرا (۱۳۸۴)، "برابری قدرت خرید و محاسبه آن"، *فصلنامه علمی- تخصصی روند*، شماره ۴۴، بهار.

کاظمی، مرتضی (۱۳۸۹) "نگاهی از زاویه متفاوت به نرخ ارز"، *دنیای اقتصاد*، ۶ مهر.

IMF, Finance & Development (2008), December, Vol. 45 - Back to Basics.
World Development Indicators (2010) database, World Bank, 15 December.
International Monetary Fund (2010), World Economic Outlook Database, October.
IMF Working Paper (2010), IMF Applications of Purchasing Power Parity Estimates, November, The Hedonic Country Product Dummy Method and Quality Adjustments for Purchasing Power Parity Calculations.
www.oecd.org.std
http:www.donya-e-eqtesad.com.default_view.asp?@=225495

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

پیوست

رتبه کشورهای عمده جهان در تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۱

رتبه	کشور	تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید (میلیارد دلار)
۱	ایالات متحده	۱۴/۶۲۴/۱۸
۲	چین	۱۰/۰۸۴/۳۷
۳	ژاپن	۴/۳۰۸/۶۳
۴	هندوستان	۴/۰۰۱/۱۰
۵	آلمان	۲/۹۳۲/۰۴
۶	انگلستان	۲/۲۱۸/۷۶
۷	فدراسیون روسیه	۲/۱۸۱/۶۸
۸	فرانسه	۲/۱۸۱/۰۷
۹	برزیل	۲/۱۴۶/۲۸
۱۰	ایتالیا	۱/۷۷۱/۱۴
۱۱	مکزیک	۱/۵۴۹/۶۷
۱۲	اسپانیا	۱/۴۵۷/۰۶
۱۳	کره	۱/۳۶۴/۵۰
۱۴	کانادا	۱/۳۳۰/۱۱
۱۵	ترکیه	۱/۰۲۷/۴۴
۱۶	اندونزی	۹۵۶/۵۷۶
۱۷	استرالیا	۸۸۲/۳۴۴
۱۸	**ایران**	**۸۳۰/۷۱۵**
۱۹	لهستان	۸۱۰/۴۸۷
۲۰	هلند	۷۱۷/۵۳۷
۲۱	عربستان سعودی	۶۷۶/۷
۲۲	آرژانتین	۶۳۲/۲۲۳
۲۳	تایلند	۶۱۹/۸۲۶
۲۴	آفریقای جنوبی	۵۸۴/۷۶۸
۲۵	مصر	۵۲۴/۳۴۱
۲۶	پاکستان	۴۹۸/۱۷۶
۲۷	کلمبیا	۴۶۴/۷۱۱
۲۸	بلژیک	۴۲۹/۸۶۶
۲۹	مالزی	۴۱۲/۳۰۲
۳۰	سوئد	۳۹۲/۸۶۲
۳۱	ونزوئلا	۳۷۴/۳۲۳
۳۲	سوییس	۳۵۲/۳۲۷
۳۳	نیجریه	۳۵۰/۲۷۹
۳۴	یونان	۳۴۶/۹۷۳
۳۵	فیلیپین	۳۳۰/۴۹۶
۳۵	اتریش	۳۲۵/۳۰۵
۳۷	هنگ کنگ	۳۲۲/۵۵۵
۳۸	رومانی	۳۲۲/۴۸۶

Source: World Bank (2010).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-09-05]